

گونه‌شناسی هیئت‌های مذهبی زنان در تهران

نامه علوم اجتماعی

(علمی - پژوهشی)

۱۷ (۳۶): ۱۷۹-۲۰۴

بهار ۱۳۸۸

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

ابراهیم فیاض^۱

عضو هیئت علمی گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران

عباس کاظمی

عضو هیئت علمی گروه ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران

مژگان دستوری

پژوهشگر علوم اجتماعی

پذیرش: ۱۳۸۷/۰۸/۱۹

دریافت: ۱۳۸۷/۱۲/۱۶

چکیده: یکی از ویژگی‌های هیئت‌های مذهبی به عنوان مهم‌ترین کانون برای انجام مناسک عزاداری، آمیختگی آن با حیات اجتماعی - فرهنگی و اخلاقی مؤمنان است. از این رو ابزار مهمی در جهت بازنمایی حیات مذهبی - فرهنگی و حتی اقتصادی آنان نیز به شمار می‌آید. وقوع انقلاب اسلامی آغاز تحول نگرشی و سبک زندگی در میان توده مردم بوده که فهم آنان از عناصر اصلی مناسک دینی و عزاداری متحول و خود این مناسک را با تغییرات محتوایی و صورتی بسیاری مواجه نموده است. به گونه‌ای که از اواخر دهه ۱۳۷۰ اشکال جدید هیئت‌های دینی و مداحی گسترش یافتند که ساختار و عناصر هویتی آنها با انواع سنتی تفاوت بسیار دارد. در این پژوهش با استفاده از روش پژوهش کمی و کیفی ویژگی‌های گونه‌های مختلف هیئت‌های مذهبی زنان و ویژگی اجتماعی - فرهنگی شرکت‌کنندگان آن را مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌ایم. به طور کلی سه شکل از هیئت‌های زنانه از هم تمییز داده شد و ویژگی‌های هر شکل مورد بررسی قرار گرفت.

کلید واژگان: هیئت‌های زنانه، مناسک دینی، هیئت‌های عامه پسند.

^۱ پست الکترونیکی نویسنده رابط: efayaz@ut.ac.ir

۱. مقدمه

پژوهش ملی بررسی رفتارهای فرهنگی ایرانیان در سال ۱۳۸۲ نشان می‌دهد که زنان نسبت به مردان در مجالس جشن و سرور مذهبی، روضه، عزاداری، سخنرانی، دعا و تفسیر قرآن بیشتر شرکت می‌کنند. همین پژوهش نشان می‌دهد که در پاسخ این پرسش که آیا در منزل شما مراسم و مجالس مذهبی برگزار می‌گردد، ۵۱/۸ درصد پاسخ‌گویان زن پاسخ مثبت داده‌اند (محسنی ۱۳۸۲).

جلسات دینی زنانه و هیئت‌های مذهبی به عنوان کانونی برای مناسک دینی بیش از هر عنصر دینی دیگری در پیوند دادن روحیات و سبک زندگی زنان با جهان‌بینی و معرفت دینی‌شان، به عنوان مهم‌ترین کارکرد فرهنگی دین، نقش دارد. در واقع جلسات مذهبی پاسخ‌دهنده نیازهای مذهبی افراد بوده و به عنوان مهم‌ترین کانون برای کسب معرفت دینی و دین‌ورزی نقش مهمی در ایجاد آرامش و اطمینان روحی افراد دارند و با آموزش‌های اخلاقی و ناظر به روابط افراد با یکدیگر و یا در ارتباط با هستی به مسائل معرفتی دین‌ورزان پاسخ می‌دهد.

مناسک به عنوان یک عمل دینی و فرهنگی، مبتنی بر مجموعه‌ای از نظام باورها و اعتقادات بوده که حامل فرهنگ دینی و نمادهای قدسی است، و می‌تواند وضع فرهنگ و اجتماع را به خوبی بازنمایی کند. به گونه‌ای که با بررسی مناسک دینی می‌توان ارتباط گفتمان دینی غالب در میان زنان با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و مکانیسم‌های تاثیر و تاثر متقابل آنها با یکدیگر را فهمید. هیئت‌های مذهبی با ساختار دوگانه خود که همواره مرکب از موعظه و مداحی بوده‌اند، مهم‌ترین کانون در میان توده مردم برای انجام مناسک عزاداری و اشاعه و تبلیغ منابع نظری اعتقادات شیعی بوده‌اند و این خود تا حدود زیادی متاثر از ساختارهای اجتماعی و تکوین تاریخی شیعیان و به ویژه نوع نگاه دستگاه حکومت و اقبال آنان به جریان شیعه بوده است. به همین دلیل هم علی‌رغم نقشی که در باز تولید هویت شیعی به طور عام و هویت زنانه به طور خاص (که هر دو آمیزه‌ای از هویت دینی و بیشتر ملی هستند) دارد، همیشه جریانی از تغییر و تحول را در بطن خویش داشته است. تغییر و تحولاتی که بیش از همه تحت تاثیر تحول زندگی مردم و نگرش‌ها و ذهنیت‌شان از عناصر اصلی مناسک دینی است. بر این اساس «مناسک مذهبی علاوه بر آن که بازنمای دگرگونی‌ها هستند یکی از نقش‌های اصلی‌شان پیشبرد دگرگونی و اعتبار بخشیدن به

دگرگونی‌هاست» (بیتس و پلاگ، در ثلاثی ۱۳۷۵، ۶۷۸). به سبب همین تغییر و تحولات است که متخصصان و نخبگان و علمای دین که در گفتمان‌شان ثبات امر دینی و عدم تغییر آن یک قاعده اصلی است (ابوزید، در اشکوری و جواهر کلام ۱۳۸۳) همیشه تلاشی پی‌گیر در شناخت و رفع تحریفات صورت گرفته در این مناسک را داشته‌اند (مطهری، ۱۳۷۹). در دهه‌های اخیر به واسطه وقوع انقلاب اسلامی و پس از آن جنگ و بازسازی، تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری در کل جامعه، و در جامعه زنان به طور خاص، روی داد که به دنبال آن هیئت‌های جدید به طور بسیار وسیعی شروع به رشد کردند. سبک جدید مداحی و عزاداری ابتدا در کل جامعه و به دنبال آن در صورت دین‌داری زنان در این دوران گسترش یافت. از سوی دیگر در اثر گسترش نوگرایی و نوسازی در عرصه‌های جهانی، تحولاتی در زمینه‌های فرهنگی و ساختاری از جمله در جامعه ما نیز روی داد که سبب دگرگونی نقش‌های اجتماعی و آگاهی‌های زنان و نیز تغییر نگرش آنان نسبت به الگوهای سنتی اخلاقی و اعتقادی در بسیاری از حوزه‌های زندگی خصوصی و اجتماعی گردید. به همین دلیل هیئت‌ها و مجالس مذهبی سنتی به عنوان یک نهاد دینی و مذهبی در جهت حل مسأله معنا و به عنوان مبنایی برای ایمان مذهبی در مورد این افراد کار کرد اصلی خود که تثبیت و تقویت اعتقادات و نیز ایجاد آرامش و اطمینان است (کاظمی پور ۱۳۸۲، ۱۲) را از دست داده و دیگر پاسخگوی نیازهای آموزشی، اخلاقی و روانی آنها نمی‌باشد و همین امر سبب شد تا این افراد هیئت‌هایی مطابق با سلیقه و نیاز خود بر پا کنند. از این رو در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ با گسترش چشمگیر این هیئت‌ها با دگرگونی کیفی بسیاری در عناصر هویتی آنها مواجه بوده‌ایم. در این پژوهش می‌خواهیم بدانیم گونه‌های مختلف هیئت‌های مذهبی زنان در جامعه فعلی تهران کدامند؟ و هر یک از این گونه‌ها چه ارتباطی با ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی زنان دارند؟

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص مشارکت‌های دینی زنان پژوهش‌هایی وجود دارد که تقریباً هر یک، بخشی از داده‌های این پژوهش را فراهم می‌کند:

شادی طلب (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «مشارکت اجتماعی زنان» به این نتیجه رسیده است که گرایش زنان جهت حضور در محافل سنتی به دلیل موانعی از قبیل

عدم شناخت نسبت به پدیده‌های مدرن، فراهم نبودن موقعیت‌های خانوادگی چون موافقت اعضای خانواده و هماهنگی آن با مسئولیت‌های خانگی و نیز پذیرفته و مشروع بودن جلسات مذهبی از لحاظ اجتماعی، بالاتر از حضور ایشان در مشارکت‌های مدرن (مانند نهادها و سازمان‌های مدنی) می‌باشد. حیدرزاده (۱۳۸۰) نیز در مطالعه‌ای تحت عنوان «نقش هیئت‌های مذهبی در روند توسعه» به این نتیجه رسید که از کارکردهای این جلسات، فعالیت در امور خیریه و عام‌المنفعه، گذران اوقات فراغت، مبادله اطلاعات و برانگیختن حس مشارکت داوطلبانه و تأثیرات روانشناختی می‌توان اشاره کرد. حیدرزاده در پژوهش دیگری تحت عنوان «مونوگرافی کارکردهای جلسات مذهبی زنانه» (۱۳۷۸) به بیان کارکردها و نقش‌های این جلسات پرداخته است. کارکردهایی مانند: بالا بردن سطح آگاهی زنان شرکت‌کننده به ویژه آگاهی‌های مذهبی، کاهش فقر، پرکردن اوقات فراغت، کم کردن مشکلات مالی افراد شرکت‌کننده، حضور در محیطی دوستانه که منجر به حل برخی مشکلات شخصی و روانی می‌گردد.

پژوهش دیگری توسط بهار در خصوص «نقش و جایگاه زنان در مراسم عزاداری» (۱۳۸۳) انجام گرفته که در آن به مقایسه حضور کنونی زنان در عزاداری حسینی با گذشته (قبل از انقلاب اسلامی) پرداخته است. بر اساس این پژوهش حرکت زنان بعد از انقلاب در مقایسه با قبل از وضعیت پیرامونی و حاشیه‌ای در عزاداری به موقعیت محوری و مرکز ی تغییر یافته است. همین نویسنده در پژوهش دیگر (۱۳۸۲) در خصوص «نذر و هویت اجتماعی زنان»، به شناسایی سهم و نقش نذر در تمایز بین زنان و مردان در انجام مراسم دینی و در نهایت تبیین هویت‌یابی زنان از طریق انجام آن می‌پردازد. همچنین، پژوهش دیگر در خصوص «تأثیر جلسات مذهبی زنانه بر کیفیت زندگی زنان شرکت‌کننده از منظر خود زنان» توسط ماشینی (۱۳۸۴) انجام شده است. بر اساس این پژوهش انگیزه شرکت‌کنندگان در جلسات مذهبی در درجه اول شامل ثواب، و در مرحله بعد میل به رشد و پیشرفت، همبستگی جمعی و مشارکت اجتماعی در جمع همفکران و اختصاص وقتی از آن خود می‌باشد. و در نهایت بتریدج^۱ (1983) پژوهشی در شیراز انجام داده است که به نقش هیئت‌های مذهبی به عنوان پایگاهی برای مشارکت سیاسی و کسب آگاهی در جهت زمینه‌سازی انقلاب اسلامی پرداخته شده است. بر اساس این پژوهش مشارکت

¹ Betteridge

مذهبی در مراسم و آئین‌های مذهبی در زندگی زنان سنتی شهری نقش مهمی داشته است. اما آموزش مذهبی زنان امری جدید است. در حالی که پیشتر فرصت اندکی برای یادگیری آموزه‌های دینی داشتند. عموم پژوهش‌های انجام شده دو کارکرد عمده مذهبی و فرهنگی اجتماعی را برای هیئت‌ها برشمردند. از این رو مشارکت در هیئت‌ها برای زنان صرف عملی مذهبی محسوب نمی‌شود. بلکه نقش اجتماعی و فراغتی زیادی بازی می‌کند. در این پژوهش ما به گونه‌شناسی از این هیئت‌ها پرداختیم و سعی کردیم نگاهی دقیق‌تر به تمایزات میان این گونه‌ها توجه کنیم. همین‌طور تصور ما این است که این گونه‌های متفاوت هر یک به نحوی با نظام معرفتی دینی زنان مرتبط هستند.

۳. چارچوب نظری

هیئت‌ها در مرتبه اول فضای قدسی محسوب می‌شوند که حضور در آنها واجد کارکردهای چندگانه‌ای برای مشارکت کنندگان است. اما در کنار این وجه قدسی می‌توان کارکردهای اجتماعی آن را نیز مورد توجه قرار داد. نظریه دورکیم به خوبی این هر دو وجه را بر ما آشکار می‌سازد. همان‌طور که می‌دانیم در نظر دورکیم، خصلت قدسی از زندگی گروهی و اجتماعی افراد نشأت می‌گیرد. لذا از آنجا که زندگی اجتماعی و گروهی دارای نوسان و تناوب و تغییر است، این تغییر و نوسان به حیطه امر لاهوتی و قدسی نیز سرایت می‌کند. به عبارت دیگر ادیان و امور مقدس و لاهوتی به «زیر و بم‌های حیات اجتماعی» وابسته هستند (دورکیم، در امیری ۱۳۸۳، ۴۷۷) و کار اصلی موجودات مقدس همانا نگهداری جریان عادی حیات، به شیوه‌ای مثبت بوده است (دورکیم، در امیری ۱۳۸۳، ۳۷). بر این مبنا دین جدای از پاسخ به مسائل کلان، حیات عادی را نیز از روزمرگی و بی‌روحی‌اش خارج می‌کند و آنرا نیز معنادار می‌سازد. لذا یک نقش اصلی نهادهای مذهبی چون هیئت‌ها، در رابطه آن با جریان عادی زندگی است. هیئت‌های مذهبی در بطن زندگی روزمره جای گرفته‌اند و بخشی از سازوکار معنا بخشی به حیات دین‌داران را بر عهده گرفته‌اند. دورکیم با درکی که از امر لاهوتی دارد، دین را به دو دسته عناصر بنیادی باورها و مناسک یا اعمال تقسیم می‌کند. «تردید نیست که همبستگی این دو عنصر با یکدیگر در حیات دینی بیشتر از آنست که بتوان آنها را قاطعانه از هم جدا کرد. هر چند که در اصل مناسک (کیش) از باورها سرچشمه می‌گیرند. اما به نوبه خود بر آنها موثر هستند» (دورکیم، در امیری ۱۳۸۳، ۱۳۷). تجمع افراد در حین

مناسک جمعی، مهم‌ترین نتیجه‌اش بازسازی و تقویت ایمان افراد به نمادهای مقدس و در نهایت تقویت پیوند آنها با جامعه‌شان است. از آنجا که جهان اجتماعی، جهان یکدست و یک شکلی نیست و گروه‌های اجتماعی به عنوان سرچشمه‌های دین، یکدست و همسان نیستند، این تکثر و تفاوت گروه‌ها و اجتماعات، هم در صورت‌بندی ادیان و هم ادراک و دریافت توسط مؤمنان بازتاب پیدا می‌کند. «نه توزیع اندیشه دینی در بین توده‌های مردم معتقد به آنها یکسان است و نه شیوه عمل کردن به باورهای دینی. بسته به نوع افراد، محیط‌ها، اوضاع و احوال، باورها و مناسک دینی به شیوه‌های مختلف و متفاوتی احساس و اعمال می‌شوند» (دورکیم، در امیری ۱۳۸۳، ۷). بنابراین می‌توان گفت حضور در هیئت‌های متفاوت و گونه‌های مختلف آن می‌تواند به معنای درک متفاوت از دین باشد. در عین حال همه گونه‌های هیئت‌های مذهبی کارکرد یکسانی نیز دارند. کارکردی که مخاطبان و مؤمنان به آن را در جریان زندگی روزمره جای می‌دهد و سبب تحکیم روابط اجتماعی می‌شود. این نکته در نظریات دورکیم در باب دین بسیار مهم است. چرا که این تکثر گروه‌بندی‌های اجتماعی و ویژگی‌های زندگی اجتماعی آنها سبب تکثر صورت‌بندی‌های دینی نیز می‌شود. در نتیجه گاهی با غلبه وجه عرفانی و عرفا سروکار داریم و گاهی با وجه دینی و علمای دین‌شناس. همه این صورت‌بندی‌های دینی خود را در گونه‌های متفاوت هیئت‌ها نیز نشان می‌دهد.

دورکیم با تاکید بر این که تقلیل دین به مجموعه‌ای صرف از باورها کاری نادرست است، به اهمیت مناسک در حیات دینی اشاره می‌کند و آن را مجرای اصلی تجربه دینی و کسب ایمان دینی و بروز پیامدهای حیات دینی برای مؤمنان می‌داند. «کیش عبادی یا مناسک مجموعه اعمال منظم تکراری شده است که فقط دستگاهی متشکل از علائم که ایمان از راه آنها ترجمان بیرونی پیدا می‌کند نیست، بلکه مجموعه وسایلی است که ایمان و احساس دینی از طریق آنها ایجاد و دوره به دوره تکرار می‌شود» (دورکیم، در امیری ۱۳۸۳، ۵۷۸). دورکیم در مباحث مربوط به مناسک بیش از همه بر مناسک جمعی و مشترک تاکید دارد و چندان به مناسک فردی و منفرد اشاره نمی‌کند. او در بحث از مناسک، اشاره به مناسکی دارد که فقط در درون گروه‌های گردهم آمده پیدا می‌شوند (دورکیم، در امیری ۱۳۸۳، ۱۳).

این تعبیر جمعی از مناسک در کلیت نظریه دورکیم اهمیت کلیدی دارد و بر همین مبنا او کارکردهای اجتماعی و اخلاقی جمعی مناسکی چون هیئت‌ها را بیان می‌کند. در

طی مناسک مذهبی است که جامعه خود را در فرد باز تولید می‌کند و هنجارهای اخلاقی که خاستگاهی اجتماعی دارند، در فرد با قدرتی فزاینده درونی می‌شوند. به عبارت دیگر وجدان اخلاقی در طی مناسک جمعی در فرد ایجاد و تقویت می‌شود. افراد طی همین تشریفات مناسکی با هم پیوند پیدا می‌کنند، به هم نزدیک می‌شوند و ارتباط و صمیمیت‌شان با یکدیگر بیشتر می‌شود. در کل محتوای آگاهی افراد از رهگذر حضور در مناسک ساخته می‌شود یا تغییر می‌کند. و افراد در طی مناسک از حیات فردگرایانه روزمره، به جهان حیات جمعی و وجدان جمعی و آگاهی جمعی پیوندی مجدد پیدا کرده و موقعیت و وظیفه‌شان نسبت به جامعه را در خود باز تولید و تقویت می‌کنند. لذا مناسک عملاً همبستگی اجتماعی و اقتدار اخلاقی ملایم با آن را تداوم و باز تولید می‌بخشد. مناسک برای رسیدن به نتایج مورد نظر نیازمند نوعی اقتدار است. به همین سبب دورکیم مناسک را متضمن نوعی اقتدار می‌داند. او این اقتدار را اقتدار سنتی می‌داند. سنتی که از امور درجه اول اجتماعی است. این اقتدار سنت که افراد در مناسک آنرا می‌پذیرند، هم بیانگر نوعی تداوم تاریخی برای مؤمنان و اجتماع آنهاست و هم این که حیات و چهره اخلاقی اجتماع را تداوم می‌بخشد (دورکیم، در امیری ۱۳۸۳، ۵۱۳). مناسک نیز دو وجه شناختی و عاطفی دارند. دورکیم بر غلبه فضای عاطفی و متفاوت از عقل و استدلال در طی مناسک بحث می‌کند و به این موضوع اشاره می‌کند که نوعی سلسله مراتب میان انواع مناسک برقرار است. در سلسله مراتب مناسک، بعضی از آنها مهم‌ترین عامل و مجرای تثبیت وحدت اخلاقی و دینی قبیله و اجتماع هستند، بالاخص مناسکی که به نوعی یا همه اجتماع و بخش‌های آن و یا حداقل نمایندگان آن از تمام بخش‌های آن در آن حضور داشته باشند (دورکیم، در امیری ۱۳۸۳، ۳۸۹-۳۹۱). این مسأله همراه است با نوعی پتانسیل سیاسی در مناسک. مناسک به واسطه نوع مقصود و هدفی که در نظام کلی مناسکی جامعه دارند و از سوی دیگر به واسطه این که مناسک هم قابلیت این را دارند که برای مقاصد مختلف به کار روند و هم این که چندین مراسم برای یک هدف باشند و در نهایت این که مناسک می‌توانند جای یکدیگر را بگیرند، نوعی پتانسیل سیاسی را در ذات مناسک ایجاد می‌کند که سبب می‌شود نقش و جایگاه یک مناسک در نهایت وابسته به «زیر و بم آهنگ حیات اجتماعی» و شرایط زندگی جمعی مؤمنان باشد. لذا از موقعیت یک مناسک در میان مردم هم می‌توان به نظام مذهبی آنها و هم به اهداف اولویت‌مند برای آنها از خلال مذهب پی برد. حتی تاثیر مناسک و دریافت مؤمنان از آن نیز به این

آهنگ حیات اجتماعی بستگی دارد. مهم‌ترین مناسک مذهبی برای یک جامعه، لزوماً در کل تاریخ حیات مذهبی مؤمنان ثابت و یکسان نمی‌مانند، بلکه متغیرند. دورکیم به حضور انواع واقسام عواطف و احساسات، از شادمانه‌ترین آنها تا مصیبت‌بارترین و رنج‌آلودترین آنها در مناسک اشاره می‌کند. این عواطف هم معطوف به فرد و هم معطوف به اجتماع هستند. به همین سبب مناسک به واسطه نوع عواطفی که در درون‌شان دارند زمینه ایجاد تجربه شادمانه یا اندوهگین و رنج‌آلود جهان را فراهم می‌کنند (دورکیم، در امیری ۱۳۸۳، ۵۳۷). لذا پاره‌ای از مناسک مؤمنان را به تجربه شادمانه جهان می‌رسانند و پاره‌ای دیگر به تجربه رنج‌آلود و اندوهگین جهان. اولویت و تقدم این‌ها بستگی به اولویت و تقدم این عواطف در حیات اجتماعی و روحیه جمعی و فردی افراد دارد. از نظر دورکیم عزاداری و مناسک عزاداری تحت تاثیر علل غیرشخصی و بر اثر نحوه تلقی اخلاقی گروه تعیین می‌شود. البته دورکیم، جوش و خروش‌های ناشی از عزاداری را، در ماهیت اصلی‌شان، چندان متفاوت از جوش و خروش‌های ناشی از مناسک‌های شادمانه نمی‌داند. او علی‌رغم تأکیدی که بر وجه مثبت کارکرد مذهب و مناسک دارد، در مواردی هم از اهمیت دین و مناسک در هنجارشکنی و شکستن قواعد صحبت می‌کند. بدین ترتیب هیئت‌ها می‌توانند اشکال هنجارشکنانه نیز پدید آورند و به عبارتی با ایجاد اشکال نوآورانه از گونه‌های سنتی دین‌داری فاصله بگیرند و در نزد دین‌داران سنتی نامطلوب جلوه کنند.

۴. روش‌شناسی

این پژوهش به روش پژوهش میدانی و با استفاده از تکنیک‌های مشاهده آزاد، پرسشنامه (برای تعیین ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی شرکت‌کنندگان)، مصاحبه نیمه ساختمند با مداحان و شرکت‌کنندگان انجام گرفته است. در بخش بررسی ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی شرکت‌کنندگان: سن، میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی و شغل، ویژگی‌های مورد نظر بودند.

هیئت‌های مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه مجالسی است که تحت عنوان هیئت فعالیت دارند و یا مجالس پراکنده مداحان معروف و برجسته در سطح بخش‌های مختلف شهر (شمال - جنوب، غرب - شرق و مرکز) تهران است که به طور دوره‌ای و زمان‌مند برگزار می‌گردد. نمونه‌ها بر اساس شهرت و معروفیت مداح و یا خود هیئت

انتخاب شده‌اند تا مخاطبین بر اساس شناخت‌شان از نوع مجلس، در مراسم شرکت کرده باشند.

طبق تعریف موجود در اساسنامه ثبت هیئت‌های مذهبی سازمان تبلیغات اسلامی، «هیئت تشکیلات مردمی است متشکل از اقشار مختلف مردم اعم از زن و مرد که اساساً با محوریت ترویج فرهنگ قرآن و عترت و برگزاری مراسم در مناسبت‌های مذهبی در اعیاد و وفیات ائمه معصومین (ع) و یا با هدف زنده نگه داشتن سنت عزاداری در طول سال و به صورت خاص در ایام شهادت سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله حسین (ع) تحت ساختار مردمی فعالیت می‌نماید. فعالیت هیئت مذهبی غیر حزبی و غیر انتفاعی است». و منظور از مداحی: شامل اجرای برنامه‌ای که محتوای آن عبارت از روضه خوانی، مناجات خوانی، ادعیه خوانی، مرثیه خوانی و مولودی خوانی در هیئت‌ها و مجالس مذهبی است.

دسته‌ای از هیئت‌ها که ویژگی‌ها، ارزش‌ها و سازمان گروهی‌شان از سنت مرسوم در هیئت‌های جا افتاده و قدیمی، پیروی می‌کنند، «هیئت‌های سنتی» نامیده می‌شوند. این دسته از هیئت‌ها اگرچه با سلیقه و نیاز بخش زیادی از متن و عامه مردم همخوانی دارد اما به جهت خصلت نخبه‌رایی و اجتناب از هرگونه تغییر و تنوع در صورت و محتوای و نیز پیروی از چارچوب‌های حاکم بر اشکال قدیمی‌تر هیئت‌ها، سنتی نامیده شده‌اند. تعیین حدود چارچوب‌هایی که معیارها و هنجارهای اصلی این هیئت‌ها را می‌سازند بر عهده نخبگان دینی است و ذائقه مردم نقش چندانی در ویژگی‌های این چارچوب ندارد. بلکه برعکس افراد برای شرکت در این هیئت‌ها اغلب هنجارها و ضوابط خاص از پیش تعیین شده را مراعات می‌کنند.

بخش دیگری از هیئت‌ها از این شکل جا افتاده و قدیمی عدول کرده و اشکال و الگوهای نوینی را صورت‌بندی کرده‌اند که متأثر از اوضاع روزمره زندگی شهری و روند نوگرایی در فرهنگ مردم و تحت تأثیر سلیقه بازار (به معنای کلاسیک عرضه و تقاضا) هستند و از حیث جلب مخاطب شمولیت بیشتری دارند. چرا که هنجارها و قواعد تعیین شده هیئت‌های سنتی را ندارند و طیف وسیعی از علائق و سلائق را در خود جای می‌دهند. این دسته هیئت‌ها «عامه‌پسند نوین» نامیده شده‌اند. در این دو گونه هیئت بعد عاطف مناسک اهمیت اولیه را دارد.

دسته سوم هیئت‌ها، که برخلاف دو گونه پیشین بعد شناختی و معرفتی مناسک اهمیت بیشتری دارد، «هیئت‌های معرفت‌گرا» نامیده شده‌اند. در این گونه از هیئت‌ها نیز

ساختارهای از پیش تعیین شده هیئت‌های سنتی به طور کامل رعایت نمی‌شود. ضمن آن که دایره مخاطبان و سلاتق آنها به افرادی محدود می‌شود که از حیث دانش و معرفت واجد سرمایه‌ای باشند.

۵. یافته‌های پژوهش

در مجموع با توجه موقعیت اجتماعی، فرهنگی زنان سه شکل از هیئت‌های مذهبی زنانه شناسایی شده و مورد پژوهش قرار گرفته‌اند: هیئت‌های سنتی، هیئت‌های عامه‌پسند نوین و هیئت‌های معرفت‌گرا. هر یک از این هیئت‌ها و سبک‌های مناسبی به سبب ویژگی‌های متفاوت دین‌ورزان آنها، رویکردهای متفاوت به دین و در نتیجه گفتمان‌های دینی و اخلاقی گوناگونی پدید آمده است.

۱-۵. هیئت‌های سنتی

□ **سازمان:** این هیئت‌ها زمان‌مند و با ثبات‌اند و اغلب در تمام طول سال به صورت دوره‌ای یا دهه‌ای و دایره‌هستند و اغلب در منازل و حسینیه‌های شخصی برگزار می‌شود. اگر چه امروزه هیئت‌هایی از این نوع در برخی مساجد و حسینیه‌ها نیز برگزار می‌گردد. هیئت‌های سبک سنتی، در قیاس با دیگر گونه‌ها، از نظم و ثبات بیشتری هم به لحاظ محتوای مجالس، آداب، قوانین و هم به لحاظ سازمان، تقسیم کار برخوردارند. و برخلاف مراسم هیئت‌های سنتی عمومی (مردانه) که به دلیل تکلف زیاد در طول سال استمرار ندارند و منحصر به مقاطع مشخص و محدود از سال هستند، اغلب هیئت‌های زنانه با برنامه زمان‌بندی مشخص در تمام طول سال دایرند. این مراسم دارای ساختار سخنران/مداح بوده و ادعیه خوانی و سخنرانی بخش اعظم مراسم را تشکیل می‌دهد. مداحی و مرثیه خوانی (روضه خوانی) به عنوان بخش حاشیه‌ای این مراسم محسوب می‌شود. در بخش ادعیه خوانی ادعیه‌ای که خوانده می‌شود بسته به مناسبت زمانی مراسم شامل دعای توسل، سوره انعام، زیارت عاشورا، حدیث کساء و ... است. اما دعای توسل و حدیث کساء و عاشورا به جهت کارکردی که در جهت قضای حوائج دارند از کاربرد بیشتری برخوردار هستند. در سخنرانی‌ها اغلب به بیان احکام و مسائل فقهی و شرعی و اخلاقی پرداخته می‌شود. بیان احکام و مسائل شرعی مربوط به همسررداری و احکام زنان از جمله فراوان‌ترین موضوعات مطروحه در این مناسک هستند. و رویکرد این سخنرانان به مسائل مذکور

یک رویکرد کاملاً سنتی و اغلب عوامانه است. این نوع هیئت‌ها کاملاً مناسکی هستند. به این معنا که بخش اعظم برنامه آنها به خواندن نمازها مثل نماز قضا، نماز صاحب الزمان و ... و ذکر صلوات یا خواندن ادعیه گوناگون اختصاص دارد. در میان انواع سه‌گانه هیئت‌های زنانه، سبک سنتی رویکرد سیاسی‌تری دارد.

□ **مخاطب:** اغلب مداحانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند قائلند که این قشر (مخاطبان‌شان) بیشتر خانه دار، کم سواد تا تحصیلات متوسط و مسن‌اند و بیشتر طالب مراسم روضه و سوگواری هستند و نسبت به شعرهای سنگین و عرفانی سطح بالا و نیز سخنرانی‌های سنگین و عمیق معرفتی رغبت نشان نمی‌دهند و بسته به محل هیئت، خاستگاه طبقاتی مخاطبان هم متفاوت است. حضور و مشارکت جوانان در این هیئت‌ها به شکل چشمگیری کم رنگ است. مگر مراسمی که در مدارس و بنا به دعوت متولیان آن برگزار می‌شود. با وجود این که حضور جوانان در مراسم جشن‌ها و مولودی خوانی در مقایسه با روضه‌ها بیشتر است اما واکنش‌های احساسی زنان در مراسم سوگواری و عزاداری به مراتب بیشتر است. از آنجا که ادعیه به زبان عربی و یا خارج از فهم و حوصله برخی زنان مسن‌تر و کم سوادتر است، بسیار اتفاق می‌افتد که برخی شرکت‌کنندگان هنگام وعظ و یا خواندن ادعیه به کارهای دیگر مثل ذکر صلوات یا تسبیح و یا صحبت با یکدیگر مشغول هستند. به طوری که اغلب این جلسات با سروصدای بسیاری از سوی مخاطبان همراه است. نوع پوشش زنان در این نوع هیئت‌ها اغلب پوشش سنتی (چادر) و بسیار ساده، یک نواخت و بدون آرایش است. به دلیل توجه زیاد مخاطبان به فقه و اصول دینی، چنانچه کسی این هنجارها را رعایت نکند مورد انتقاد (امر به معروف و نهی از منکر) قرار می‌گیرد. بخشی از زنان به انگیزه ثواب و امر دینی در این مناسک حضور دارند. اما بسیاری دیگر به جهت پر کردن اوقات، دید و باز دید با دوستان و همسایگان، و انجام مراودات اجتماعی و ... به این اماکن می‌آیند. به ویژه که اغلب زنان مسنی هستند که به اقتضای سن و سال‌شان مسئولیت بچه‌داری و خانه‌داری چندانی هم ندارند. و بیش از هر چیز به گپ‌زدن با همسن و سالان خود نیاز دارند و این مکان برای این دسته از زنان فرصت خوبی فراهم می‌کند تا ضمن یک مشارکت اجتماعی مجاز و مقبول فرهنگی در یک جمع هم‌فکر و هم‌رنگ به تجدید قوا بپردازند. و احتمالاً با مشارکت در

فعالیت‌های خیریه‌ای مثل تهیه جهیزیه و جمع‌آوری اعانه برای مستمندان فعالیتی فراتر از زندگی روزمره‌شان داشته باشند.

□ **مداحی:** مداحان اغلب خانه‌دار و برخی مدرس یا آموزشگر قرآن و آموزش دیدگان دروس ابتدایی حوزه بوده و سطح سواد اغلب شان پایین است. اما در میان آنها به ویژه آن دسته که مورد تایید سازمان تبلیغات هستند برخی تا سطوح متوسط حوزه سواد دینی دارند. برخلاف مداحی سنتی مردان که در آن فرآیند آموزش نقش محوری دارد (حسام مظاهری ۱۳۸۴) در هیئت‌های سنتی زنانه، آموزش مداحی چندان جایگاهی ندارد. داشتن مختصری صدای رسا و مناسب و آشنایی با متون روایی و دینی کافی است تا شخص به مداحی بپردازد. در واقع مداحی به نوعی برای آنها یک شغل و حرفه و در موارد اندکی یک علاقه و تبرک جویی محسوب می‌شود. در اکثر این مجالس سخنران و مداح یکی است. شیوه‌ها و سبک‌های مداحی‌ها اغلب تقلیدی از مداحان معروف مرد است. اگر چه در سال‌های اخیر کلاس‌هایی جهت آموزش مداحی ایجاد شده که علاقه‌مندان را آموزش می‌دهد. اما این آموزش مباحث خاصی در خصوص دستگاه‌ها و الحان آوازی را شامل نمی‌شود و صرفاً شامل روان خوانی و صوت و لحن قران و ادعیه و تفسیر آنها، کتب احادیث و روایات و سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) و «مکارم الاخلاق» و کتب «مقتل» و اشعار مرثیه و مدیحه و مولودی خوانی و سرود است.

□ **ادبیات:** در این مجالس به دلیل نوع مخاطبان، در بخش مداحی و مولودی خوانی بیشتر اشعار ساده و تصنیف و اشعاری که توسط ناشران مذهبی و سازمان تبلیغات چاپ شده، خوانده می‌شود. اگر چه به علت افزایش کلی سطح آگاهی و بینش زنان، اشعار غنی‌تر و پر محتواتر هم مطرح می‌شود. در مولودی خوانی‌ها اشعار و غزلیات یا تصنیف‌های محلی سنتی و قدیمی شاد با تغییراتی در اسامی و القاب، با طنین‌های ضربی ترکیب شده و موسیقی شادی را ایجاد می‌کند که مخاطبان با کف و کِل با آن همراهی می‌کنند. از ادوات موسیقی خبری نیست و آن را مذموم شمرده و در شأن مجالس دینی و اهل بیت نمی‌دانند. در مراسمی که به طور پیوسته و ماهانه برگزار می‌شود ادعیه خوانی و نماز امام زمان، نماز قضا و مناجات خوانی قسمت اعظم مراسم را شامل شود. وجه عاطفی غالب در این مجالس، سوگواری و عزاداری بوده و متضمن اشعاری حاوی ذکر مصیبت اهل بیت، رفع حوائج و مشکلات و دعا برای

گرفتاری‌ها و توسل به ائمه برای مشکلات است. به گفته خود مداحان قشری که آنها برای‌شان مداحی می‌کنند بستر خانه دار، کم سواد تا تحصیلات متوسط و مسن‌اند و بیشتر طالب مراسم روضه و سوگواری هستند. اگر چه برگزاری مولودی خوانی در مقایسه با سال‌های قبل (قبل از سال‌های ۱۳۷۰) بیشتر شده است. قالب مداحی‌های سنتی زنانه، به ویژه مراسم سوگواری، ضمن آن که در کلیت خود شباهت بسیاری با قالب مداحی کلاسیک و حرفه‌ای مردان دارد، تفاوت‌هایی نیز دارد. در مداحی سنتی مردانه از ادبیات آیینی استفاده می‌شود که به جهت تصریح ساختار الفاظ و درون مایه انحصاری‌اش از آن جز در مقام معصوم نمی‌توان استفاده کرد. و اغلب قالب‌های شعری مانند غزل، مثنوی و قصیده رواج دارد. چنین قالب‌های شعری در مداحی‌های زنان نیز کم و بیش مشاهده می‌شود. اما در مداحی‌های زنانه، از قدیم متداول بوده (و هست) که در مراسم جشن‌ها و مولودی خوانی‌ها مداح در وصف ائمه و شخصیت‌های دینی برخی قسمت‌های تصنیف‌ها یا ترانه‌های خوانندگان مجاز یا غیر مجاز را تغییر داده و با همان آهنگ و مضمون اجرا می‌کند (همان شیوه‌ای که امروزه در هیئت‌های مردانه تحت عنوان مداحی عامه‌پسند معروف است). همچنین در ادبیات کاربردی مداحی‌های زنانه، عبارات و بند‌هایی که تکیه کلام‌های زنانه محسوب می‌شوند و در ادبیات مداحی‌های کلاسیک مردانه کاربرد ندارند بسیار مشاهده می‌شوند مانند «دورت بگردم»، «فدات بشم» و ... (البته امروزه در ادبیات مداحان عامه‌پسند مرد نیز این خصایص نیز وارد شده است). شاید بتوان گفت که یکی از وجه تمایزات مهم مداحی سنتی مردانه با مداحی عامه‌پسند ورود همین خصایص مداحی‌های زنانه به ادبیات هیئت‌های مردانه است). چنین پدیده‌ای در مراسم زنانه کاملاً متداول و ملموس بوده و با کف و در مواردی کِل شرکت کنندگان شادی و شمع مجلس دو چندان می‌شود. تفاوت دیگر این است که در مناسک عزاداری خصوصاً در مقوله عاشورا، ادبیات و درون مایه اشعار مداحی‌های مردانه اغلب از دو عنصر تراژدی و حماسه تشکیل شده است (حسام مظاهری ۸۴) اما در مداحی‌های زنانه حتا در مورد واقعه و نبرد عاشورا نیز عنصر تراژدی رنگ غالب را دارد و بخش حماسی آن بسیار کم‌رنگ است (این ویژگی در ادبیات مداحان عامه‌پسند نیز وارد شده است).

۲-۵. هیئت‌های عامه‌پسند زنانه نوین

- **سازمان:** زمان‌بندی این گونه هیئت‌ها زمان‌بندی منظم داشته و به صورت ماهانه یا دهه‌ایی (ده روز) است و در حسینیه‌های شخصی و منازل برگزار می‌شوند و به دلیل تناقض نوع و کیفیت این مجالس با اصول و معیارهای حاکم بر مساجد و حسینیه‌ها این مجالس در این مکان‌ها برگزار نمی‌شوند. معروفترین مداحان این سبک در سازمان‌ها و نهادهای خیریه دولتی با برگزاری برنامه‌های دائمی و زمانمند و به مدیریت خود سازمان یا نهاد، جهت مصارف خیریه برنامه اجرا می‌کنند. در این مراسم مداح کارت‌های تبلیغی خود را توزیع و اغلب آمادگی خود را جهت اجرای برنامه‌های مذهبی و غیر مذهبی (مثلاً در جشن‌ها و عروسی‌ها و ...) است اعلام می‌کند. ساختار مرسوم و عظم / مداحی در هیئت‌های سنتی در این دسته از هیئت‌ها به مداح / نوازنده تغییر شکل می‌دهد. وجه غالب عواطف در این گونه از مجالس با این شعار که «خداوند دوست دارد دل‌های مؤمنان شاد شود» جشن و شادی بوده و اغلب مجالس، مولودی خوانی است؛ با این حال در مناسبت‌های عزا و سوگواری نیز این هیئت‌ها فعالند. در این گونه مراسم مداح علاوه بر مدیحه سرایی، تصنیف خوانی و ترانه خوانی نیز اجرا می‌کند. در این مراسم مداح یا نوازندگان با توزیع کارت‌های تبلیغی آمادگی خود را جهت اجرای برنامه‌های مذهبی و غیر مذهبی (مثلاً در جشن‌ها و عروسی‌ها و ...) و یا آموزش اعلام می‌کنند.
- **مخاطب:** برخلاف نمونه‌های سنتی و مسجدی، هیئت‌های عامه‌پسند زنانه، دایره مخاطبان طیف‌های گسترده‌ای را از اقشار و طبقات مختلف و سنین را در بر می‌گیرد. اعم از پیر و جوان، خانه‌دار و شاغل و با سطح تحصیلات متفاوت و بسته به محله برگزاری هیئت، طبقات اجتماعی متفاوت در این گونه هیئت‌ها مشارکت دارند. اگر چه به علت هزینه بالای این نوع مراسم، طبقات پایین اجتماعی کمتر بانی چنین مراسمی هستند. همچنین برخلاف هیئت‌های عامه‌پسند مردانه که مخاطبان اصلی آن جوانان و نوجوانان هستند (حسام مظاهری ۱۳۸۴). در نمونه‌های زنانه این هیئت‌ها سنین مختلف یکسان قابل مشاهده‌اند. شرکت کنندگان اغلب حجاب غیر سنتی و پوشش غیر چادر دارند. ضمن آنکه تیپ و ظاهر آنها بسیار مد روز، متنوع و رنگارنگ است که چندان شباهتی با هنجارهای متداول در مجالس سنتی ندارد. حضور زنان با حجاب و پوشش چادر در مجالس و هیئت‌های عامه‌پسند بسیار کمتر

از سایر هیئت‌ها است. سطح سواد و تحصیلات در مخاطبان این قشر (طبق پیمایشی که انجام شد) از پراکندگی بسیاری برخوردار است. اغلب زنان مخاطب خانه‌دار هستند. اما زنان شاغل نیز تا حدودی (کمتر) در این مراسم حضور دارند. در این نوع مجالس نیز انگیزه‌های متفاوتی زنان را گرد هم می‌آورد، که با انگیزه زنان در هیئت‌های سنتی مشابهت زیادی دارد.

□ **مداحی:** یکی از اساسی‌ترین وجه تمایزات مداحی در این گونه‌ها با هیئت‌های سنتی شخصیت دینی - فرهنگی مداح و نیز اجرای مداحی است. به گونه‌ایی که وجه نمایشی و توجه به ابعاد زیبایی‌شناسانه مراسم بسیار قابل توجه است. از شاخصه‌های این گونه مجالس: جذابیت زیاد، نوآوری، لباس‌های نمایشی مداح و گروه نوازنده، هیجان بالا و جذابیت مراسم، ورود سازهای مختلف مثل دف، تنبک، دایره، فلوت، گیتار در مراسم مولودی خوانی و در مراسم عزاداری دمام، دف، سنج و نی و نیز دستمزد بالای مداح است. مخاطبان اغلب به صورت فعال و هیجانی در مراسم شرکت می‌کنند. در هیئت‌های عامه‌پسند نوین برنامه اصلی مراسم مداحی است. و هدف اولیه مداح ایجاد شور و هیجان به ویژه در مناسبت‌های جشن و شادی است و اغلب با ذکر ائمه و یا ذکرهای مقدس شور هیجان و احساسات بسیار بالایی برانگیخته می‌شود. به همین دلیل در این مداحی‌ها به ویژه در مولودی خوانی‌ها آهنگ‌هایی باطنین ضربی اهمیت خاصی دارند. چرا که با این نوع آهنگها احساسات بسیاری در مخاطبان برانگیخته می‌شود. برای اغلب مداحان این فعالیت شغل و یک حرفه بسیار پر درآمد است و در این راه با رقیبان بسیاری مواجه هستند. به همین دلیل سعی می‌کنند برای جذب مخاطب و مشتری بیشتر و گرم‌تر کردن مجالس، نوآوری‌های بیشتری را هم در زمینه هنری (اغلب) و هم در زمینه انجام مناسک و آئین‌های جدید دینی (مثل سفره علی ...) بکار گیرند. یکی از این برنامه‌ها جشن عروسی عروسان بهزیستی است که در آن یک یا چند دختر خانم نیازمند که لباس عروس پوشیده‌اند، در میان مجلس روی صندلی می‌نشینند و بعد مداح همراه با اجرای دف زنان و یا سایر نوازندگان، با خواندن اشعاری متناسب، برای جهیزیه آنها ابتدا کالاهای مورد نیاز و سپس پول و در آخر برای آنها طلا و زیور آلات جمع‌آوری می‌کند. بخش سخنرانی در این مراسم مشهود نیست و اگر هم باشد

مربوط به موضوعاتی غیر از احکام، مسائل فقهی و اعتقادی است و متن ادعیه هم گذرا و سطحی و فقط برخی قسمت‌های دعا خوانده می‌شود.

□ **ادبیات:** وجه غالب ادبیات در هیئت‌های عامه‌پسند همانند هیئت‌های سنتی، عاطفی و احساسی است. با این تفاوت که در هیئت‌های عامه‌پسند نوین اشعار به گونه‌ای انتخاب می‌شوند که جنبه هنری و نمایشی مراسم رعایت شود. اشعار ریتم‌داری که بتوان به صورت آواز و همراه گروه نوازنده، خواند کاربرد بیشتری دارند. به ویژه ترانه‌های معروف و محبوب عمومی و تصنیف‌های محلی و قدیمی را با اشعار و اسامی دینی ترکیب کرده و در مداحی‌ها بکار می‌گیرند. اگر چه این تکنیک در کار مداحان سنتی هم از قدیم به چشم می‌خورد، اما در هیئت‌های عامه‌پسند این کاربرد چشمگیرتر است و حد و مرز چندانی ندارد. اشعار مداحی‌ها شامل اشعار و ترانه‌های خوانندگان (مجاز یا غیر مجاز) تصنیف‌های معروف محلی و قدیمی (دلکش، مرضیه، سیما بینا و ...) با ترکیب‌های جدید دینی و همراه با الفاظ و اسامی مقدس، اشعار عامه‌پسند مداحان مرد و حتا آیات قران در قالب شعرهای شاد و برخی اشعار که به نام ادعیه (مثل حدیث کساء) معروف هستند، و همراه با آهنگ‌های ضربی و شاد اجرا می‌شوند. بخش زیادی از اشعار و ادبیات انتخابی در این مداحی‌ها، تقلیدی و متعلق به مداحان مرد معروف و محبوب است. به همین دلیل از همان ویژگی‌ها مانند بهره‌گیری از ادبیات به اشکال محاوره‌ای، سلطنتی، و عرفانی و یا اذکار عربی، برخوردار است. اما تمایزاتی نیز دارد مثلا واژه‌ها و لحن‌های حماسی و پهلوانی در آن اغلب وجود ندارد. همچنین از لحاظ درون مایه شعری نیز از واژه‌های غالیانه، تاکید بر جنون‌مندی، واژه‌ها و صفات دور از شان شیعیان مثل سگ (کلب)، دیوانه و نظایر آن کمتر استفاده می‌شود. وجه تشابه مداحی‌های سنتی و عامه‌پسند، و مبتنی بر احساسات و توجه به ابعاد ظاهری و عاطفی وقایع و شخصیت‌های مقدس است.

□ **گفتمان دینی:** در گفتمان دینی این هیئت‌ها، دین در حب و عشق و ارادت و توسل به ائمه خلاصه می‌شود و این گونه مجالس برای شرکت کنندگان نوعی تجربه دینی محسوب می‌شود که اغلب برای توسل به جهت رفع حوائج و نیازهای آنها کارکرد دارد و موجب غلیان احساسات و عواطف مذهبی آنها شده و نیازی هم به پشتوانه‌های عقلی و دینی ندارد. به همین دلیل بخش سخنرانی که همیشه برای آشنایی توده مردم با احکام دین و معارف بوده به دلایل مختلف نادیده گرفته می‌شود. مسائل و احکام

فقه و شرع در این نوع دین‌داری نه تنها مطرح نیست بلکه در برخی موارد بر ضد شریعت نیز هست. در این شکل هیئت‌ها هم همانند هیئت‌های سنتی وجه اعتبار بسیاری از مناسک و اعتقادات نقلی است. اما نه نقل سنت یا واعظ؛ بلکه نقل یک رویای صادق. نمونه‌ای از این مراسم که به اعتبار یک رویا در بسیاری از این هیئت‌ها مرسوم شده است سفره حضرت علی است که دختر جوان ناشنوایی آن را در عالم رویا دیده است. مراسم سفره حضرت علی شامل سفره‌ای سبز رنگ است که نام چهارده معصوم روی آن نوشته شده و روی آن دو پارچ آب به رنگ آبی، یک عدد قرآن، یک مفاتیح، ظرفی که داخل آن نذورات ریخته می‌شود و چند عدد شمع روشن گذاشته می‌شود. زنان در اطراف آن حلقه زده و با ذکر یا علی به صورت بلند و شور انگیز برای حوائج خود نذر می‌کنند و مبلغی هم پیش‌تر می‌پردازند تا چنانچه حوائج آنها برآورده شود مبلغ معینی را بپردازند. چنانچه مجلسی تحت عنوان یکی از ائمه و با محوریت مناسک خاصی (از قبیل ادعیه خوانی یا قرائت قرآن و ...) برگزار شود، دعای مربوطه در مقایسه با مداحی و مرثیه خوانی کاملاً در حاشیه است. در نتیجه این هیئت‌ها مناسکی هم نیستند. مذهب در این قسم هیئت‌ها امری کاملاً فردی و بی تفاوت نسبت به امر به معروف و نهی از منکر است. به همین دلیل در این قبیل هیئت‌ها اغلب هنجار رفتاری خاصی وجود ندارد و بیشترین تنوع در مخاطب، سبک ظاهر و شکل را در خود می‌پذیرد.

۳-۵. هیئت‌های معرفت‌گرایانه

عناصر این هیئت‌ها تلفیقی از دو گونه پیشین است. اما در برخی از موارد نیز با آنها متفاوت است. به نحوی که سبب شده تا این هیئت‌ها تقسیم‌بندی جداگانه‌ای را به خود اختصاص بدهند. از جمله ساختار و محتوای جلسه، نوع ادبیات مورد استفاده در مداحی، ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی مداح و مخاطبان و گرایش دینی آنها در این مجالس کاملاً متفاوت از دو نوع قبلی است. از یک سو پررنگ بودن بخش سخنرانی و مناسکی آن وجه تشابه آن با هیئت‌های سنتی است و از سوی دیگر به دلیل حضور آلات موسیقی و نحوه اجرا و ترکیب تیم اجرای مداحی (در جشن‌ها و مولودی‌ها) که مرکب از مداح و دف زنان است با هیئت‌های عامه‌پسند نوین تشابه دارند. فراوانی این هیئت‌ها در مقایسه با دو گونه قبلی به دلایلی کمتر از دیگر هیئت‌های زنانه است. یکم مخاطبانی را که این نوع

هیئت‌ها جذب می‌کنند، زنانی هستند که اغلب تحصیلات عالی (یا دانش و آگاهی‌های خاصی از قبیل آشنایی با ادبیات عرفانی و اشعار مولانا و حافظ) دارند. از سوی دیگر مداحان بسیار کمی، به دلیل نداشتن سواد کافی، در این سبک برنامه ارائه می‌کنند. چرا که آشنایی با ادبیات عارفانه و اشعار عرفانی شعرای برجسته، لازمه ورود به این حیطه است و این درحالی است که اکثر مداحان به علت سواد کم و نیز بازار پر رونق تر مداحی در دو گونه دیگر جهت گیری فعالیت‌های‌شان در این راستا نیست.

□ **سازمان:** زمانمندی این نوع هیئت‌ها بر خلاف دو گونه قبلی، دوره‌ای و ماهانه نیست، بلکه اغلب به مناسبت‌های خاص مانند ایام فاطمیه، لیالی قدر، ایام محرم و ... مراسم دارند و مکان برگزاری آنها اغلب ثابت و در حسینیه‌های شخصی و منازل است. ترتیب و شعائری که به طور سنتی در هیئت‌های مذهبی زنان انجام می‌شود در این مجالس نیز رعایت می‌شود. با این تفاوت که در ابتدای مراسم، غیر از تلاوت آیات قرآن، اشعار عرفانی از برخی عرفا نیز خوانده می‌شود. ساختار مراسم در مجالس عزاداری به صورت سخنران/مداح و درو جشن‌ها ساختار سه‌گانه سخنران/مداح / دف زن است. که در آن بخش سخنرانی و ادعیه خوانی بخش غالب بوده و مداحی در حاشیه مجلس است. وجه عاطفی غالب این هیئت‌ها همانند هیئت‌های سنتی سوگواری است. یکی از همین مداحان می‌گوید: «مخاطبان ما در زندگی‌شان شادی و رفاه دارند، و در جستجوی آن نیستند. اینان به دنبال معنا و معرفت هستند که آن را در مناسبت‌های مذهبی مثل ایام محرم، فاطمیه، عرفه و لیالی قدر جستجو می‌کنند که این مناسبت‌ها اغلب سوگواری و هنگام مناجات است و نه شادی». مناسک با کارکردهای دینی حضور قابل توجهی در آن دارد و انواع دعاها و زیارت‌نامه خوانی‌ها و نمازها در این هیئت‌ها برگزار می‌شوند. به همین دلیل این هیئت‌ها مناسکی هستند.

□ **مخاطب:** مخاطبان این نوع جلسات به لحاظ سنی و نوع پوشش و وضعیت ظاهری شباهت بسیاری با مجالس عامه‌پسند دارند. از تمامی گروه‌های سنی و اغلب با حجاب مانتو هستند. اگر چه زنان بسیاری نیز با حجاب کامل سنتی (یا چادر) در این جمع حضور دارند. اغلب مخاطبان (بیش از ۶۰ درصد) دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر هستند و همچنین زنان شاغل در رده‌های شغلی بالا مانند وکیل، استاد، پزشک و حتی هنرپیشه نیز در میان آنها مشاهده می‌شود. و بیشتر آنها از طبقه اجتماعی بالا و متوسط

به بالا هستند. مخاطبان این نوع جلسات دینی اغلب از اعضای کلاس‌های خاصی مثل تفسیر عرفانی قرآن و نهج البلاغه و مثنوی خوانی هستند که با مفاهیم قرآنی و اشعار عرفانی آشنایی دارند. استقبال مخاطبان از بخش سخنرانی و مناسک بیشتر از مداحی است. به همین دلیل می‌توان گفت که انگیزه اصلی مخاطبان بیشتر کسب دانش، معرفت دینی و عرفانی است تا انگیزه‌های دیگر از قبیل مشارکت اجتماعی، اهداف اقتصادی و یا به جهت دعا برای حوائج.

□ **گفتمان دینی:** این هیئت‌ها اگر چه از لحاظ ساختار و محتوا مشابهت‌هایی با هیئت‌های سنتی دارند، اما قرائت متفاوتی از دین و دینداری در بین آنها به چشم می‌خورد که فاصله آنها را با رویکرد عوامانه و احساسی هیئت‌های سنتی نشان می‌دهد. مناسک با کارکردهای دینی حضور قابل توجهی در آن دارد و انواع دعاها و زیارت‌نامه خوانی‌ها و نمازها در این هیئت‌ها برگزار می‌شود. اما بر وجه عقلانی و معرفتی دین بیشتر از وجوه عاطفی آن تاکید می‌شود. در پذیرش مسایل و افکار و عقاید بیشتر به منابع اصیل دینی و کارشناسان و نیز به پشتوانه‌های استدلالی عقلی و منطقی تکیه دارند. منابع سخنرانی‌ها در این هیئت‌ها اغلب قرآن و حدیث و نهج‌البلاغه و ... با رویکرد عرفانی است. در قرائت دینی اینان نیز دین فردی بوده و احکام و شریعت اگر چه انکار نمی‌شوند اما مطرح هم نمی‌شود.

□ **مداحی:** در هیئت‌های معرفت‌گرا مهارت مداح در آشنایی با اشعار مختلف عرفا و شعرا در زمینه‌های مختلف دینی مهم است. چرا که مهم‌ترین وجه تمایز این مداحان با مداحان عامه‌پسند همین مهارت است. و اغلب خود مداح در مقایسه با مداحان عامه‌پسند و یا سنتی از پایگاه تحصیلی، فرهنگی و اقتصادی بالاتر برخوردار است. از سوی دیگر نحوه حضور شخص مداح و نیز تیم موسیقی که شامل دف‌زنان می‌شود، (در جشن‌ها و مولودی‌ها) همانند هیئت‌های عامه‌پسند، بسیار امروزی بوده و از طرح‌های نو و امروزی و نیز از شاخص‌ها و جنبه‌های زیبایی‌شناسانه روز استفاده می‌شود. در یک نمونه از این هیئت‌ها خلق نمادهای جدیدی مشاهده شد. به این صورت که در مجالس شادی اغلب شرکت‌کنندگان پیراهن زرد و سفید و آبی می‌پوشیدند. که در این راستا به کارکردهای روانی و عاطفی آن توجه داشتند: پیراهن زرد و آبی به نشانه شادی و رنگ سفید برای ایجاد آرامش و اطمینان روحی کاربرد دارد. این اولین جلوه حضور نمادها در هیئت‌های زنانه است که یک نماد فردی، نامتعارف و

بی سابقه نیز هست. در این گونه جلسات گاهی به جای مداحی اشعار به صورت دکلمه و بدون لحن هم خوانده می شود. و یا مخاطبین برخی از اشعار مداحی را به صورت کُر اجرا می کنند.

□ **ادبیات:** جدای از برخی تشابهاتی که میان اشعار این هیئت‌ها با سایر هیئت‌های زنانه هست، از قبیل استفاده از ترانه‌ها و تصنیف‌های قدیمی و محلی؛ در هیئت‌های معرفتی اغلب اشعار عرفانی شعرای مشهور با آهنگ‌های ابتکاری و در مواردی تقلیدی خوانده می شود. ابعاد وقایع تاریخی و زندگی ائمه از زاویه متعالی و معرفتی تر مورد توجه قرار می گیرد. همچنین جایگاه زنان مقدس در این اشعار متعالی تر و نقش آنها فعال تر و مستقل تر است.

۵-۴. حدیث شریف کساء در روایت سه هیئت

شاید اگر بخواهیم گفتمان دینی این سه گونه دین‌داری را معرفی کنیم بهترین شاخص نحوه اجرای این دعای معروف است که در بسیاری از هیئت‌های دینی زنانه با اشکال و مضامین مختلف خوانده می شود و در هر هیئتی بسته به میزان بهره‌مندی از معرفت و درک دینی مخاطبان و خود مداح (این دو هر یک تابعی از دیگری هستند) به شکل خاصی اجرا می شود.

در هیئت‌های سنتی اغلب تنها متن عربی این دعا روخوانی می شود و در هر بخش که به نام هر یک از اهل کساء که پنج تن هستند، می رسند به زبان حال، با روضه‌هایی آن شخصیت دینی را برای حوائج و نیازها به شفاعت می خوانند. در واقع چنان چه مخاطب با زبان عربی آشنا نباشد (که بیشتر آنها هم به دلیل سطح سواد اندک‌شان آشنا نیستند) آنچه سبب می شود مخاطب با این دعا ارتباط برقرار کند همان نام‌ها و اسامی آشنا در متن دعا و روضه‌هایی است که مداح می خوانند. در هیئت‌های معرفت‌گرا نیز حدیث روخوانی می شود اما از آنجایی که اعضای هیئت سطح سواد بالاتری دارند ترجمه دعا خوانده نمی شود، بلکه فرازهایی از دعا تفسیر شده و شرح داده می شود. در هیئت‌های عامه‌پسند اصولاً متن حدیث کسا خوانده نمی شود، بلکه آنچه به عنوان این دعا خوانده می شود قطعه شعری است که مداح به همراه اجرای دف نوازندگان و کف‌زدن مخاطبان با شور و احساسات بسیار بالا می خوانند. ضمن آن که پس از ذکر نام پنج تن اهل کساء، حضرت ابالفضل نیز در انتها وارد این جمع می شود. و یا تعبیری که از شخصیت امام علی (ع)

دارند، در گونه‌های مختلف تفاوت دارد. در پاسخ به این پرسش که چرا زنان بیش از سایر ائمه متوسل به ایشان می‌شوند مداح سنتی اظهار می‌کند چون امام علی ابوالائمه است اما همین معنا در هیئت‌های معرفت‌گرایانه به دلیل آن است که امام علی پیر طریقت است. و در هیئت‌های عامه‌پسند دامادی پیامبر بیش از دو خصوصیت دیگر مورد توجه است.

جدول ۱. ایزه‌های فرهنگی و مادی موجود در هر یک از سه گونه

گونه هیئت	ایزه‌های مادی و فرهنگی
سنتی	<ul style="list-style-type: none"> ○ ایزه‌های مادی: بلندگوی ساده دستی، منبر، لباس: عزاداری مشکی، ساده جشنها: لباس‌های متنوع و رنگارنگ، گلاب، پرچم و متن و کتیبه، لوازم پذیرایی، کتب ادعیه، قرآن. ○ ایزه‌های فرهنگی: اشعار جگرسوز و رقت آور، سندیت خواب‌ها و رویاهای صادقانه، مکان: شامل مسجد، حسینیه‌های شخصی و تکیه‌ها.
عامه‌پسند	<ul style="list-style-type: none"> ○ ایزه‌های مادی: بلندگوهای اکو و الکتریکی - پرچم و متن کتیبه. آلات موسیقی شامل: عزاداری: دف، سنج، دمباده، نی و فلوت، مولودی خوانی: دف، گیتار، تبتک، لباس مخاطبان: عزاداری: لباس‌های متنوع تیره و مشکی امروزی، مولودی خوانی: لباسهای متنوع شاد، رنگی و مد روز، سفره‌های مخصوص نذر (سفره علی) - لوازم تزئینی مثل: شمع و گل و دکوراسیون از قبیل درب نیمه سوخته، کوزه گلی، سیستم نورپردازی، لوازم پذیرایی، سربند، گل سینه. مکان شامل: حسینیه‌های شخصی، اماکن عمومی مانند بیمارستان‌ها و سازمان‌های بهزیستی و ... لباس مداح: مولودی: لباس‌های شاد و رنگی و محلی، عزاداری: لباس‌های شیک امروزی مشکی و رنگ‌های تیره، لباس تیم نوازنده: لباس‌های متحدالشکل و نمایشی. ○ ایزه‌های فرهنگی: اشعار عامه‌پسند، ترانه، تصنیف، اشعار خوانندگان غیر مجاز، همراه با موسیقی مجاز و غیر مجاز و اشعار مداحان عامه‌پسند مرد. سندیت خواب‌ها و رویاها.
معرفت‌گرایانه	<ul style="list-style-type: none"> ○ ایزه‌های مادی: بلندگوهای اکو، الکتریکی، پرچم، متن و کتیبه، آلات موسیقی شامل دف، لباس مداح و مخاطبان. مولودی: لباس‌های شاد و امروزی، عزاداری: مشکی ساده، کتب ادعیه، قرآن، لوازم پذیرایی، نمادهای شخصی مخاطبان: پیراهن‌های سفید، آبی، زرد. مکان: حسینیه‌های شخصی و خانگی، ایزه‌های فرهنگی مثل، کتب اشعار عرفانی شعرا و عرفای معروف مرثیه سرا - لباس دف زنان: لباس‌های یک شکل نمایشی، منبر (وعظ و سخنرانی).

۱. ایزه به معنای موضوع شناخت در برابر سوژه به معنای فاعل شناسا

جدول ۲. رابطه عناصر هویتی با گونه هیئت

نوع هیئت	سنتی	عامه‌پسند نوین	معرفت‌گرا
ساختار کلی هیئت	سخنران / مداح	مداح / گروه نوازنده	سخنران / مداح / دف زن
سازمان، زمان	زمان منظم و منظم، دوره‌ای به‌صورت ماهانه یا دهگی، نذری	زمان مند و منظم، به صورت ماهانه - نذری	به مناسبت‌ها، دهه‌های مهم مذهبی، نذر
مکان	حسینیه‌های شخصی و منازل، هنجارشکنی مکانی، اخیراً در مساجد و تکایا و مدارس	حسینیه‌های شخصی و منازل هنجارشکنی‌های مکانی: اماکن دولتی مثل بهزیستی و بیمارستان‌ها	منازل شخصی و حسینیه‌های شخصی
نوع غالب مجالس	سوگواری و روضه	مولودی خوانی	سوگواری
مخاطب انگیزه مخاطب	دینی، معاشرت اجتماعی، فعالیت خیریه	دین‌ورزی، معاشرت اجتماعی، فعالیت خیریه، فعالیت اقتصادی	دین‌ورزی، کسب دانش و معرفت دینی، فعالیت خیریه
زمینه فرهنگی مخاطبان	خانه دار، بیشتر کم‌سواد و تا سطح متوسطه	خانه دار و بعضاً شاغل با تحصیلات متنوع	بیشتر با تحصیلات عالی، خانه دار و شاغل
طبقه اجتماعی مخاطبان	در میان طبقه متوسط و پایین این گونه بیشتر مخاطب دارد	متنوع، در میان طبقه متوسط و بالا بیشتر مخاطب دارد	طبقه اجتماعی متوسط و بالاتر
ادیات هیئت ادعیه خوانی	قرائت ادعیه و مناجات‌ها و معانی سطحی و ظاهری آنها	ادعیه خوانی مختصر، اشعاری را تحت عنوان ادعیه و مناجات می‌خوانند	قرائت ادعیه با شرح تفسیر عمیق و بیان فرازهایی از دعا
اشعار	عامیانه، ساده جگر سوز، تصنیف‌های تغییر یافته با آهنگ‌های مجاز / غیر مجاز	عامه‌پسند، جگر سوز، ترانه و تصنیف‌های تغییر یافته با آهنگ‌های مجاز / غیر مجاز	اشعار شعرا و عرفای معروف - در مولودی‌ها تصنیف و اشعار محلی و قدیمی عامه‌پسند (بدون تغییر خوانده می‌شود)
مداح، زمینه فرهنگی مداح	تحصیلات متوسطه و پایین‌تر، بعضاً تحصیلات حوزوی (سطوح متفاوت)	تحصیلات متنوع، بیشتر متوسطه و پایین‌تر	تحصیلات عالی و دارای معلومات روز
انگیزه مداح	حرفه و شغل، تبرک جویی	حرفه و شغل، اجرای هنری آوازخوانی	حرفه، تبرک جویی
آلات موسیقی	-----	سوگواری: دف، نی، دمباد، سنج مولودی: دف، گیتار، دَبک	سوگواری: ----- مولودی: دف
گفتنمان دینی	شریعت‌گرا و فقهی	غیر فقهی، انکار فقه	فقه انکار نمی‌شود مطرح هم نمی‌شود

۶. نتیجه‌گیری

شرایط محیطی و سبک زندگی مردم بر شکل و محتوای دین‌ورزی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در سال‌های اخیر به دنبال تغییراتی که در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه به وجود آمد، نقش‌ها و الگوهای رفتاری و نگرشی در جریان زندگی بخشی از زنان متحول شد. این الگوها و ارزش‌های اخلاقی جدید بیش از آن که از الگوهای ارزشی داخلی و سنتی تأثیر گرفته باشند، متأثر از ارزش‌های جهانی بودند. همان‌گونه که دورکیم می‌گوید دین به عنوان نمادی از حیات اجتماعی با جریان زندگی روزمره مردم ارتباطی نزدیک دارد و نوع مناسک آنها از باورها و نگرش‌های آنها سرچشمه می‌گیرد. از این منظر به دنبال این تحولات، مناسک و آیین‌های دینی بخشی از مردم با تغییرات صوری و محتوایی بسیاری مواجه شد. چرا که مناسک و آیین‌های دینی و مذهبی سنتی در جهت حل مسأله معنا و به عنوان مبنایی برای ایمان مذهبی در مورد این افراد کارکرد اصلی خود که تثبیت و تقویت اعتقادات و نیز ایجاد آرامش و اطمینان است را از دست داده و دیگر پاسخگوی نیازهای آموزشی، اخلاقی و روانی آنان نبود. اینان نیز مجالسی باب سلیقه خود بر پا کردند که ویژگی‌های متفاوت و خاص خود را داشت و با هویت گروهی و ارزش‌ها و باورهای دینی آنان متناسب بود به گونه‌ای که در گروه‌های مختلف اجتماعی صورت‌بندی‌های متفاوتی از مناسک به وجود آمد. دین به عنوان نمادی از حیات اجتماعی معیارهایش دگرگون شده بود و باورها و ارزش‌های اخلاقی و دینی سنتی تغییر یافت. تغییراتی که نه از جنس سازگاری ضعیف و عقب‌نشینی در قبال شرایط جدید اجتماعی، بلکه به مثابه پاسخی اصیل است به اوضاع تا بتواند با حفظ قدرت و اهمیت از زندگی بشر در برابر مخاطرات آنومی حمایت کند. اما با صور جدید و بیان‌های نوین، تردیدی نیست که همبستگی عناصر بنیادی باورها و مناسک با یکدیگر در حیات دینی بیشتر از آن است که بتوان آنها را قاطعانه از هم جدا کرد. و به بیان دورکیم این دو عنصر متقابلاً بازنمای یکدیگرند و بیانگر واقعیت نهایی دین، یعنی اجتماع می‌باشند.

همان‌گونه که دورکیم با اشاره به دوران معاصر جامعه خویش، به «وضعیت گذار و میانمایگی اخلاقی» تأکید می‌کند. این دوران که بسیاری از خدایان کهن دیگر شور و شوق گذشته را نمی‌آفرینند و «خدایان دیگری هم هنوز پیدا نشده‌اند» می‌نویسد که خدایان جدید مورد نیاز باید از خلال «لحظات جوش و خروش آفرینش‌گرانه جمعی»

ظهور یابند. در این شرایط آرمان‌های تازه و قواعد جدیدی شکل خواهند گرفت. او در این جمله جنبه آفرینش‌گری مناسک را مورد تأکید قرار می‌دهد. بسته به نوع افراد، محیط‌ها و نوع و میزان توزیع اندیشه و باورهای دینی، مناسک دینی به شیوه‌های مختلف و متفاوت احساس و اعمال می‌شود.

تاریخ مناسک همواره نشان داده‌است که تأثیرات متقابل و مستمر بین اجبار سنت از یک طرف و کشش دائم برای آزادی فردی، ایجاد انگیزه‌های تازه و بروز فعالیت خلاق انسان دین‌دار از طرف دیگر وجود داشته‌است. با این حال پیدایش همه گروه‌های دینی نوپدید حاصل رشد خود به خودی دینی، روشنفکرانه و اخلاقی در میان دین‌داران نبوده و ظهور اعتقادات نو و زوال آیین‌های سنتی نه دلیل انحطاط پندارهای کهنه و سنتی، بلکه نمایانگر انگیزه‌های خلاق در تجارب دینی است.

در مجموع با توجه موقعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی زنان سه شکل از هیئت‌های مذهبی زنانه قابل شناسایی‌اند. هیئت‌های سنتی، هیئت‌های عامه‌پسند نوین و هیئت‌های معرفت‌گرایانه. در گونه‌ای از این هیئت‌ها که بیشترین فراوانی را در میان هیئت‌های جدید دارد و عموماً تحت عنوان هیئت‌های عامه‌پسند نوین معروف هستند؛ مداحان به عنوان کارگزاران اولیه و نخبگان دینی محسوب می‌شوند که اغلب شخصیت کاریزماتیک آنها جمع بسیاری از دین‌ورزان را گرد هم جمع می‌کند.

این افراد با ارائه وجوه بدیع، ایجاد تنوع، جاذبه و کشش این نوع مجالس را تداوم می‌بخشند. بر اساس اعتقاد دورکیم تقدم و اولویت عواطف به نوعی با تغییرات زندگی اجتماعی و فرهنگی دین‌ورزان همبسته‌است. از این منظر تقدم عواطف شادمانه در این هیئت‌ها که اغلب دین‌ورزان آن جوانان هستند، سبب شده تا تجربه دینی که در هیئت‌های سنتی غالباً یک تجربه عزاداری و اندوهگین است به یک تجربه شادمانه بدل شده و در قالب جشن‌ها و مولودی‌های گوناگون و به اشکال ابتکاری ارائه شود. از موارد آن می‌توان جشن «عروسان بهزیستی» و یا شکل بدیع و نوین حدیث کساء را نام برد که در قالب قطعه شعری به همراه اجرای دف برگزار می‌شود. از جمله نوآوری‌های این گونه می‌توان از ورود انواع آلات موسیقی، تنوع در پوشش و اشکال استفاده از مظاهر زیبایی شناسانه در دکوراسیون محل اجرا، اجرای دو مداحی، تنوع در اشعار مداحی نام برد. که توسط مداحان به این هیئت‌ها راه یافته‌است و هر یک سهمی در ایجاد فضای شاد و هیجان‌انگیز برای شرکت‌کنندگان دارند. در این دسته هیئت‌ها مداحی که قبلاً یک

فعالیت دینی و انگیزه تبرک جویی داشت به یک حرفه و شغل پر در آمد تبدیل شده است (بنا به گفته کارشناسان سازمان تبلیغات اسلامی انگیزه‌های اقتصادی مهمترین انگیزه اکثر مداحان امروزی در جامعه زنان است). رویکرد دینی هیئت‌های عامه‌پسند زنانه به گونه‌ای است که با شرایط زندگی نوین و ارزش‌های جامعه مدرن سازگارتر است. لذا به موازات تکثر سلاقی و ارزش‌ها در چنین محیطی طیف وسیعی از مخاطبان و سلاقی در این هیئت‌ها مشارکت دارند. در نگاه اینان ارزش‌ها و مفاهیم انسان‌دوستانه و خیرخواهانه و کمک به مستمندان و ناتوانان در راس این ارزش‌های لاهوتی قرار دارد. به دلیل تسری‌پذیری خصلت لاهوتی همان‌گونه که دورکیم نیز تاکید می‌کند هر آنچه در دسترس این امور باشد نیز این خصلت را در خود می‌پذیرد. از این رو برخی مکان‌ها که پیشتر فقط کارکرد خدماتی و بهداشتی داشتند، مانند مرکز توان بخشی معلولین و بهزیستی - همانند یک زیارتگاه و امامزاده در نگاه یک دین‌دار سنتی نماد یک مکان مقدس و متبرک شده و خصلتی قدسی می‌یابد. آن‌گونه که ارزش نذر کردن و حاجت گرفتن می‌یابد.

در گونه دیگر هیئت‌های جدید که تحت عنوان هیئت‌های معرفت‌گرا نامیده شده‌اند، ذائقه و نیاز شرکت کنندگان، سبک و سیاق برنامه و محتوای مجلس را تعیین می‌کند. این هیئت‌ها در میان زنانی که از بینش و آگاهی و معرفت دینی غنی‌تری برخوردارند، شکل متفاوتی دارد. هویت دینی در میان این دسته از زنان به سبب بهره‌مندی از منابع هویتی فرهنگی (تحصیلات) و مادی (طبقه اجتماعی) از انسجام بیشتری برخوردار بوده و گفتمان دینی را به وجود آورده که در مقایسه با سایر گونه‌های دین ورزی زنان از شناخت و معرفت بیشتری برخوردار است. در حالی که در دو گونه دیگر وجه عاطفی مناسب غالب است. هر یک از این هیئت‌ها و گونه‌های مناسبی اگر چه به عبارتی مناسب خاص تشیع در میان زنان هستند؛ اما به سبب ویژگی‌های متفاوت دین ورزان آنها، رویکردهای متفاوت به دین و در نتیجه گفتمان‌های دینی و اخلاقی گوناگونی پدید آورده‌اند.

۷. منابع

ابوزید، نصر حامد. بی.تا. نقد گفتمان دینی. ترجمه حسن یوسفی اشکوری و محمد جواهر کلام. ۱۳۸۳. تهران: یادآوران.

- بهار، مهری. ۱۳۸۲. نقش و جایگاه زنان در مراسم عزاداری - تغییر از حاشیه ای به مرکزی. فصلنامه پژوهش زنان.
- بهار، مهری. ۱۳۸۳. نذر و هویت اجتماعی زنان. *نامۀ علوم اجتماعی*، شماره ۲۴.
- بیتس، دانیل و فرد پلاگ. بی. تا. *انسان‌شناسی فرهنگی*. ترجمه محسن ثلاثی. ۱۳۷۵. تهران: علمی.
- حسام مظاهری، محسن. ۱۳۸۴. گونه شناسی هیئت‌های مذهبی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۴). *روزنامه همشهری*، ۱۱ بهمن - ۳ اسفند.
- حیدرزاده، زهرا. ۱۳۷۸. *مونوگرافی کارکرد های اجتماعی مجالس مذهبی زنانه در تهران*. تهران: معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حیدرزاده، زهرا. ۱۳۸۰. نقش هیئت‌های مذهبی در روند توسعه. *مجموعه مقالات جامعه و فرهنگ*. تهران: انتشارات آروان.
- دورکیم، امیل. بی. تا. *صور ابتدایی حیات مذهبی*. ترجمه نادر سالارزاد امیری. ۱۳۸۳. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- شادی طلب، ژاله و محمود کتابی. ۱۳۸۲. مشارکت اجتماعی زنان. *مجله پژوهش زنان*، شماره ۷.
- کاظمی پور، عبدالمحمد. ۱۳۸۲. *باورها و رفتارهای مذهبی در ایران*. تهران: مجموعه طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ماشینی، فریده. ۱۳۸۴. *تأثیر جلسات مذهبی زنانه بر کیفیت زندگی زنان شرکت کننده از منظر خود زنان*. پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبائی.
- محسنی، منوچهر. ۱۳۸۲. *رفتارهای فرهنگی ایرانیان*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۹. *حماسه حسینی*. ۲ جلد. تهران: صدرا.
- Betteridge, A. 1983. To veil or not to veil: A matter of protest or policy. In *Women and revolution in Iran*, ed. G. Nashat. Boulder, Colo.: Westview press.